

ردیابی اسناد اولین دوره مجلس شورای ملی در لایه‌های خاطرات رجال مشروطه

منوچهر نظری

مقدمه

در هفدهمین شماره *سالنامه دنیا*^۱ - که یکی از با ارزش‌ترین منابع تاریخ معاصر ایران است - در سال ۱۳۴۰ خورشیدی مقاله‌ای تحت عنوان «یادای از مجلس اول» به قلم سیدحسن تقی‌زاده نماینده دوره اول مجلس شورای ملی، به رشته تحریر درآمد که بسیار جالب و خواندنی است. خاطرات نقل شده از زبان تقی‌زاده به این دلیل ارزشمند است که ایشان خود از نقش‌آفرینان مهم مجلس اول و حتی از مبارزان مشروطه‌خواه و متحصنان سفارت انگلیس بوده است؛ همچنین مطالعه این خاطره، بر این ادعا و تصور که اکثر اسناد مشروطه و اولین دوره قانون‌گذاری در جریان به توپ بسته‌شدن مجلس شورای ملی (۲ تیر ۱۳۸۷)، به علت ویرانی ساختمان از بین رفت یا به علت آتش‌سوزی، خاکستر شد، خط بطلان می‌کشد. از گفته‌های مستر الدرید، رئیس بانک شاهی و شاهد عینی رویدادهای آن ایام، پیداست که تمامی اسناد اولین دوره مجلس شورای ملی، داخل گونی‌هایی ریخته شد و توسط قزاق‌ها و مخالفان مشروطه به سفارت انگلیس تحویل داده شد. حال بعد از این انتقال چه بر سر این گونی‌های محتوی اسناد آمده است و چگونه اسناد مربوط به مجلس ایران، از منزل یا آرشیو شخصی برخی از مقامات انگلیس مانند مستر الدرید سر در

۱. *سالنامه دنیا*، سالنامه‌ای سیاسی، اجتماعی و تاریخی است که به صاحب‌امتیازی و مدیریت سید عبدالکریم طباطبایی در سی شماره در تهران منتشر گردید. نخستین شماره *سالنامه دنیا* در فروردین ماه ۱۳۲۴ و آخرین شماره آن در فروردین ۱۳۵۳ انتشار یافت. یکی از نقاط قوت این سالنامه، چاپ مقالات و گلچین خاطرات رجال سیاسی، ادبی، فرهنگی و سیاسی بوده است.

آورده است، هنوز اطلاع دقیقی در دست نیست. آنچه در برخی از کتاب‌ها و مقالات تاریخی تاکنون انعکاس یافته، این است که اغلب اسناد مشروطه و مجلس اول در واقعه به توپ بسته‌شدن یا آتش‌سوزی از بین رفته است؛ امری که به صحت و درستی آن با توجه به اظهارات مستر الدرید انگلیسی و اسنادی که او پس از چهل سال از به توپ بسته شدن مجلس مسترد نموده است، به شدت خدشه وارد کرده است. بنابراین جا دارد این مسئله مورد تحقیق و پژوهش جدی‌تر تاریخ‌پژوهان قرار گیرد. در ذیل، خاطره سیدحسین تقی‌زاده - که مرتبط با این موضوع است - عیناً ذکر می‌گردد:

خاطره سیدحسین تقی‌زاده

مجلس اول^۱ در اطاق بزرگ یعنی تالار بهارستان^۲ که حالا اطاق خصوصی مجلس فعلی است، منعقد می‌شد و وکلا، چهار صف مربع روی زمین می‌نشستند. ضلع بالایی که ضلع غربی تالار بزرگ بهارستان است، علما و بعضی وکلای معمم و با نفوذ قرار می‌گرفتند و ضلع دیگر، راهرو و در ورود تا سه چهار ذرع به آخر اطاق مانده، رئیس و هیئت‌رئیس و بعضی دیگر از وکلا و ضلع مقابل (جلوی پنجره)، وکلای دیگر و غالب وکلای تجار و باز تا سه چهار ذرع مانده به آخر تالار و ضلع پایین که در میانه تالار بود و تکیه به دیوار نداشت، غالباً وکلای اصناف می‌نشستند و پشت این صف، پنج شش صف تا دیوار پایین، تماشاچیان، دو زانو روی زمین نشسته بودند و معلوم بود که اغلب، کفش را در دم در بیرونی می‌کنند. خادم داخلی مجلس که ناظم می‌گفتند، آقاسید محمود نامی بود که از آن وقت تا سال ۱۳۱۸ در همان شغل ثابت بود و در سال مزبور وفات یافت.

عده وکلا بر ۱۶۲ نفر مقرر شده بود که قریب شصت نفر از شهر تهران بوده و آرامنه و یهود، هر کدام حق یک وکیل در مجلس داشتند که در مجلس اول از حق خود استفاده نکردند و وکالت خود را به آقاسیدعبدالله بهبهانی و آقاسیدمحمد طباطبایی از علمای تهران دادند؛ ولی زرتشتیان که حق یک وکیل داشتند، ارباب جمشید تاجر زرتشتی را به وکالت انتخاب کردند.

هفته‌ای سه چهار جلسه منعقد می‌شد. عصرها تقریباً چهار ساعت بعدازظهر و تا یکی دو ساعت بعد از غروب آفتاب طول می‌کشید. بیشتر وکلایی که نطق می‌کردند، اینجانب و عده‌ای از علما مخصوصاً آقاسیدعبدالله بهبهانی و آقاسیدمحمد طباطبایی بودند و سعدالدوله و حاج سیدمحمد اسمعیل مغازه (که بعدها شهاب‌الدوله شد و چندی قبل مرحوم شد) و میرزا محمود کتابفروش و حاج‌معین‌التجار بوشهری، صدیق حضرت، حسنعلی‌خان، صنیع‌الدوله^۳ و ... هم بودند. البته بعضی وکلای دیگر هم حرف می‌زدند و

۱. در ۱۳ مهر ۱۲۸۵ ش. افتتاح شد.

۲. تالار بهارستان همان پارلمان مجلس شورای ملی است که در ساختمان مشروطه واقع شده و اکنون به تالار مدرس معروف است.

۳. اولین رئیس مجلس شورای ملی (۱۲۸۵ - ۱۲ شهریور ۱۲۸۶)

بعضی دیگر خیلی کم حرف بودند و بعضی هیچ حرف نمی‌زدند. بعدها که احتشام السلطنه^۱ به مجلس آمد، او هم خیلی نطق می‌کرد و همچنین میرزا آقای اصفهانی.

یک روز در سفارت ایران در لندن نشسته بودم که یک نفر از اهالی لندن تقاضای ملاقات کرد. وارد شد و خود را بهنام الدرید معرفی کرد. مردی بود که نسیال و از عجایب اینکه هنگام معرفی خود، به زبان شیرین فارسی با من صحبت نمود.

مستر الدرید که خانه او در حومه لندن واقع بود، پس از انجام احوالپرسی، کیف خود را گشود و چند پرونده از لای آن خارج کرد و به من داد. پرونده را نگاه کردم، دیدم اسناد و مدارک زیادی از تاریخ مشروطیت ایران است. مثلاً یکی از اسناد، دفتر حقوق نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی بود که امضا و مهر تمام نمایندگان از جمله آقاسید عبدالله بهبهانی و آقاسید محمد طباطبایی و صنیع الدوله و مستشارالدوله در آن دیده می‌شد. حقوق آن دوره نمایندگان، ماهی یکصد تومان بود که نمایندگان بابت ۲۲ ماه دوره نمایندگی، فقط حقوق سه ماه و نیم را که سیصد و پنجاه تومان باشد، دریافت نموده بودند.

یک سند جالب دیگر، پیمان دسته‌جمعی مشروطه‌طلبان برای تخصص در سفارت انگلیس بود که عین آن پیمان که به خط قشنگی نوشته شده بود، به این شرح بوده است:

«عموم رؤساء متخصصین و محصلین مدارس متعهد شدیم که در سفارتخانه دولت فخریه انگلیس مادامی که تشکیل مجلس شورای ملی نشود و نظامنامه به تصویب رؤساء مذهب و همچنین از طبقات ملت نرسد از سفارتخانه حرکت نماییم و محض ابقاء و استقامت خودمان بنا گذاریم که همین ورقه را مهور نماییم:

مهر صنف تجار- بزاز- معلمین مدارس- کلاه‌دوز- ارسی‌دوز- فرش‌فروش- صراف- بلورفروش- عطار- خرازی- سقطفروش- رزاز- مسکر- قهوه‌چی- قناد- سمسار- خیاط سراج- آهنگر- توتون‌فروش- حلبی‌ساز- گیوه‌فروش- جوراب‌باف- لحاف‌دوز- پینه‌دوز- صابونی- کتابفروش- نقاش- ساعت‌ساز- خورده‌فروش- صحاف- لباف- نعل‌ساز- حصیرباف- ریخته‌گر- کوزه‌پز- کالسکه‌ساز- چرم‌فروش- سیگارفروش- سلمانی- تیرفروش- شیشه‌فروش- قفل‌ساز- قصاب- علاف- صباغ روغن‌فروش و تنباکوفروش».

وقتی من این اسناد را یکی بعد از دیگری مرور کردم، دچار تعجب شدم و گفتم اینها در نزد مستر الدرید چه می‌کند؟ جویای زندگی گذشته او شدم. معلوم شد در صدر مشروطیت، رئیس بانک شاهی ایران، شعبه تهران بوده و متجاوز از چهل و پنج سال است که به انگلستان برگشته است.

از مستر الدرید سؤال کردم این اسناد از کجا به دست شما رسیده است؟ در جواب گفت: روزی که مجلس شورای ملی از طرف محمدعلی شاه به توپ بسته شد^۲ و در نتیجه قسمتی از مجلس ویران و اثاثیه آن به

۱. پس از استعفای صنیع‌الدوله در ۱۲ شهریور ۱۲۸۶، احتشام السلطنه به ریاست مجلس انتخاب گردید.

۲. با بالا گرفتن اختلاف بین مجلس و محمدعلی شاه و محدود شدن قدرت درباریان، به دستور محمدعلی شاه، ساختمان

غارث رفت، در آن روز اعضاء سفارت انگلیس در تهران فقط کلنل استوکس و چند نفر پیشخدمت و درباریان در محل سفارت شهری حضور داشتند. قزاقان و سیلاخوری‌ها وقتی اسناد مجلس به دست آن‌ها افتاد، تمام آن را در گونی‌های متعددی ریخته و به سفارت انگلیس حمل و تحویل می‌دهند. منظور قزاق‌ها از این عمل این بود که چون در نتیجه تحصن ایرانی‌ها در سفارت انگلیس، مظقرالدین‌شاه فرمان مشروطیت را صادر کرده بود، پس محل و حکومت مشروطه مربوط به سفارت انگلیس و اسناد موجود در مجلس البته بجز قالی و اثاثیه و چهل چراغ‌های گرانبها، متعلق به آن سفارت است.

مستر الدرید گفت: در این روزها این چند سند به دست من افتاد و چون مدتی مجلس شورای ملی در حال فترت بود و من عازم لندن بودم، نتوانستم آن‌ها را به مجلس شورای ملی برگشت دهم، لذا با خود به انگلستان برده و در این چهل سال در آرشیو کتابخانه من محفوظ بود و حال که برف پیری بر سرم نشسته است به یاد آن اسناد افتاده و آن‌ها را از آرشیو خود برداشته و تحویل شما می‌دهم، امیدوارم از آن نگهداری خوبی بشود.

مستر الدرید این را بگفت و من هم برای حفظ اسناد مزبور، هیچ جایی را بهتر از کتابخانه مجلس شورای ملی ندانستم و آن‌ها را به تهران فرستاده و اکنون در آرشیو اوراق بهادار کتابخانه مجلس شورای ملی نگهداری و یکی از مدارک زنده و روح‌دار تاریخ مشروطیت ایران محسوب می‌گردد.

مجلس شورای ملی واقع در میدان بهارستان در دوم تیرماه ۱۲۸۷ به وسیله لیاخوف روسی و سربازان قزاق تحت امرش به توپ بسته شد.